

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

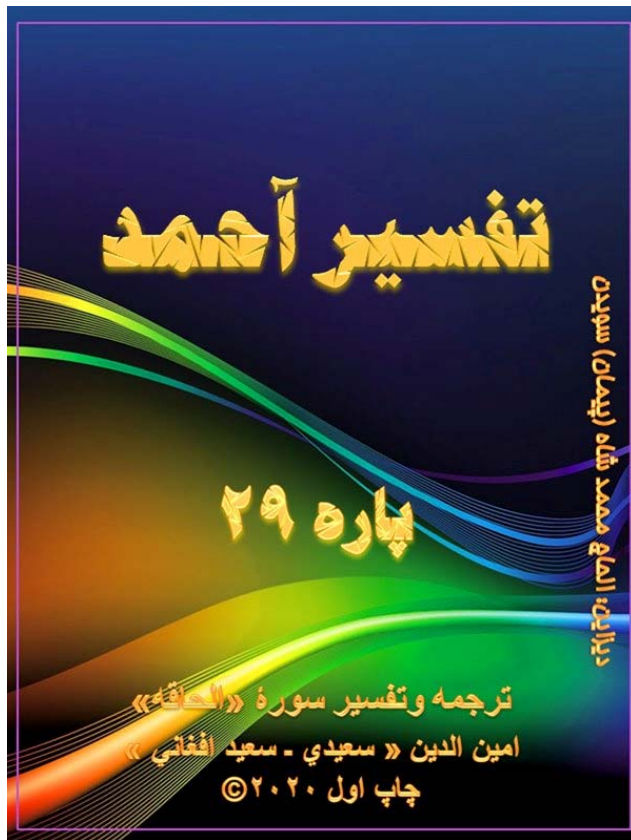
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۷ دسمبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## سورة الحاقه

ه



سورة حاقه در مکه مکرمه نازل شده و دارای

پنجاه و دو آیت و دو رکوع می باشد.

وَلَا طَعَامَ إِلَّا مِنْ غَسْلِينَ (۳۶)

و نه غذایی، جز خونابه و چرک (۳۶)

غسلین (چرک و خون)

اهل دوزخ هیچ گونه خوراکی را به جز از زردآب

که از بدن‌های دوزخیان سرازیر می شود دارا نمی

باشد قتاده می گوید: «این بدترین غذای اهل دوزخ

است».

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷)

غذایی که جز خطاء کاران آن را نمی خورند.

(۳۷)

یعنی این که این طعام را هیچ کسی نمی خورد،

مگر آن که بر گناهان اصرار ورزیده، از جرم‌ها

توبه نکرده و به اسلام کافر شده باشد.

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸) وَمَا لَا تَبْصِرُونَ (۳۹)

«پس به آنچه می بینید و به آنچه نمی بینید قسم

می‌خورم» (۳۸ - ۳۹)

یعنی: قسم یاد می‌کنم به همهٔ اشیاء، به آنچه از محسوسات می‌بینید و آنچه از غیر محسوسات نمی‌بینید. مفسرین می‌فرمایند که: «لا» در (لا اقسام) زاید است. یا معنی این است: ضرورتی به قسم خوردن نیست زیرا کار چنان آشکار است که از ثابت ساختن آن به قسم ضرورت ندارد.

### إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰)

که این قرآن گفتار رسول بزرگوار است. (۴۰)

«إِنَّهُ»: ضمیر (ه) به قرآن، یا به خبرهای پیشین مذکور در این سوره بر می‌گردد. این آیت جواب قسم‌های پیشین است. «رَسُولٍ»: مراد جبرئیل است.

ولی اکثر مفسرین بدین عقیده‌اند که هدف از رسول در اینجا حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است، زیرا در آیت بعد آمده است که: قرآن قول شاعر و کاهن نیست حال آن که مشرکان جبرئیل را به شاعر و کاهن وصف نمی‌کردند بلکه محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم را به این اوصاف متهم می‌ساختند. اما به قول اکثر مفسرین، مراد از رسول در سوره «تکویر» جبرئیل است زیرا اوصافی که بعد از آن می‌آید، به حال او تناسب دارد.

### وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱)

و آن گفتار يك شاعر نیست؛ ولی کمتر ایمان می‌آورید. (۴۱)

قرآن عظیم الشان را طوری که شما فکر می‌کنید سخن کدام شاعر نیست.

بسیار اندک به حق تصدیق می‌کنید، چقدر ایمان تان اندک و کفر شما زیاد است.

### وَلَا يَقُولُ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ (۴۲)

و (نیز) گفتار يك کاهن نیست، (لیکن شما) کمتر پند می‌گیرید. (۴۲)

«قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ»: (مراجعه شود به سوره‌های: اعراف، نمل، غافر).

در آیت فوق ملاحظه نمودیم که: «و» قرآن «گفتار هیچ کاهنی نیست» چنان که شما دشمنان در بارهٔ آن به زعم خویش تصور می‌کنید، زیرا کهنانت مقوله ایست که با قرآن هیچ وجه مشترکی ندارد «چه اندک پند می‌گیرید» و از این جهت کار بر شما پوشیده می‌ماند زیرا به الفاظ قرآن دقیقاً نمی‌اندیشید و به این امر توجه ندارید که قرآن مشتمل بر دشنام دادن شیاطین است در حالی که کاهنان دوستان و برادران شیاطین‌اند پس اگر قرآن گفتار کاهنان باشد، این بدان معنی است که آنها دوستان و سرورانشان را دشنام داده‌اند!

«کاهن» «غیب گو، کاهن».

### تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

کلامی است که از جانب پروردگار عالمیان نازل شده است! (۴۳)

قرآن عظیم الشان کلام پروردگار جهانیان است که به زبان جبرئیل امین بر قلب پیامبر صلی الله علیه وسلم فرود آورده تا از بیم دهندگان باشد.

در (آیات ۴۳ تا ۴۷ سوره الحاقه) آمده است: «تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ نُمْ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (بلکه کلامی است که) از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است.

اگر پیامبر برخی از سخنان را به دروغ بر ما می‌بست، ما دست راست او را می‌گرفتیم. سپس رگ قلب او را پاره می‌کردیم. و کسی از شما نمی‌توانست مانع این کار ما در بارهٔ او شود و مرگ را از او باز دارد.

در این آیات تهدید آمیز، به صراحت گفته شده است: اگر پیامبر سخنی به ناحق به خداوند جل جلاله نسبت داد، خداوند دست راست و شاهرگش را قطع خواهد کرد.

**وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)**

اگر او سخن دروغ بر ما می بست. (۴۴)

اگر محمد صلی الله علیه وسلم برخی گفته های ساختگی را به ما نسبت می داد، که ما نگفته باشیم و بدان تکلم نکرده باشیم، حال آن که این کار از وی بسیار بعید است و این یک فرضیه و امر ذهنی است.

«تَقَوَّلَ» (به دروغ می بست).

«الْأَقَاوِيلِ» (سخنانی دروغ).

**خواننده محترم!**

مفسر کبیر جهان اسلام علامه عبدالرحمن سعدی در ترجمه و تفسیر آیات (۴۴ الی ۴۸ سوره الحاقه) فرموده است: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ \* فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ \* وَإِنَّهُ لَتَنْذِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (و اگر پیامبر پاره ای از سخنان را به دروغ بر ما می بست، با دست راست او را می گرفتیم و رگ دلش را پاره می کردیم، «وتین» رگی است که به قلب متصل است و هرگاه قطع شود انسان می میرد و هلاک می گردد.

پس به فرض این که پیامبر سخنانی را به دروغ به الله نسبت می داد خداوند بلافاصله او را عذاب می داد و به سختی او را مؤاخذه می کرد چون خداوند با حکمت و بر هر چیزی تواناست و حکمت او اقتضا می کند که به کسی مهلت ندهد که بر او دروغ می بندد و ادعا می کند. خداوند خون و مال مخالفانش را برای او مباح قرار داده و او و پیروانش نجات یافته اند و مخالفانش هلاک شوندگانند. خداوند پیامبرش را به وسیله معجزات تأیید نمود و بر راست بودن آنچه او آورده نشانه های روشنگر را دلیل قرار داد، و او را بر دشمنانش پیروز گرداند، و به او قدرت داد تا آن ها را تسلیم کند، و این بزرگترین شاهد از جانب الله تعالی بر رسالت اوست. «فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» و اگر خداوند پیامبر را هلاک کند او نمی تواند خودش را نجات دهد و نه کسی دیگر می تواند او را از عذاب خدا برهاند. «وَإِنَّهُ لَتَنْذِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» و این قرآن کریم پندی است برای پرهیزگاران که به وسیله آن منافع دینی و دنیوی خود را به یاد می آورند و آن را می شناسند و به آن عمل می نمایند. قرآن عقائد و باورهای دینی و اخلاق پسندیده و احکام شرعی را به آن ها تذکر می دهد و آن گاه آنان از علمای ربانی و عبادت کنندگان عارف و پیشوایان هدایت یافته خواهند شد.

و این قتیبه در شرح «لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ»: با دست راست او را می گرفتیم، می گوید: این عبارت به معنی «با قوت و قدرت» است، و عبارت «الیمین: دست راست» به جای «قوت» آمده است، زیرا قوت هر چیز در طرف راست آنست. «فتح القدير».

ابن عباس رضی الله عنه نیز چنین نظری دارند. «فتح البیان».

بر این اساس معنای آیت یعنی: با قوت و قدرت وی را می گرفتیم و وی را مجازات می کردیم.

شیخ دهلوی می فرماید: «عادت شمشیر زن آن است که دست راست اسیر را با دست چپ خود بگیرد و شمشیر به گردن او حواله کند لذا بر این اسلوب بیان شد». (انوار القرآن).

و امام قرطبی در تفسیر «ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ: رگ دلش را پاره می کردیم» می گوید: «أَي لَأَهْلِكُنَا» یعنی: او را به هلاکت می رساندیم.

و خود امام قرطبی از امام حسن بصری درباره «لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ» نقل کرده که وی گفته: «لَقَطَعْنَا يَدَهُ الْيَمِينِ». یعنی: «دست راست او را قطع می کردیم».

و از ابو جعفر طبری نقل کرده که وی گفته: «أى لأمرنا بالأخذ بيده وبالغنا فى عقابه». یعنی: امر می کردیم تا دستش را بگیرند و در مجازات او مبالغه کنند.

و امام طبرانی در تفسیر خود می گوید: «لأخذنا منه بقوتنا وقدرتنا عليه ثم أهلكناه».

یعنی: «با قوت و قدرت خود وی را می گرفتیم و سپس وی را هلاک می کردیم».

و شیخ مصطفی مراغی در تفسیر خود نوشته: «أى: ولو افتري محمد علينا بعض الأقوال الباطلة ونسبها إلينا لعاجلناه بالعقوبة، وانتقمنا منه أشد الانتقام... والمراد: أنه لو كذب علينا لأزهقتا روحه، فكان كمن قطع وتينه، وهذا تصوير للإهلاك بأفطع ما يفعله الملوك بمن يغضبون عليه، إذ يأخذ القتل بيمينه ويكفحه بالسيف ويضرب عنقه».

یعنی: «و اگر محمد صلی الله علیه وسلم بعضی از سخنان باطل را بر ما افتراء ببندد و آنها را به ما نسبت دهد، در عقوبت و مجازات او تعجیل می کنیم، و با شدیدترین نوع انتقام از وی انتقام خواهیم گرفت... و مراد کلی آیات اینست: اگر او بر ما دروغ ببندد، روحش را می گیرم، به گونه ای که مانند کسی شود که رگ قلبش پاره شده باشد و این عبارات تصویری از هلاکت و نابودی با وحشتناکترین و قبیح ترین شیوه ای است که بعضی از پادشاهان نسبت به کسانی که از آنها خشمگین شده اند، انجام می دهند؛ چنان که جلاد وی را با دست راستش گرفته و شمشیرش را بیرون کشیده و گردنش را می زند».

#### لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ما او را با قدرت می گرفتیم. (۴۵)

با قدرت بی‌نهایت، وحی ربانی را از او بر می گیریم. یعنی این که اگر محمد صلی الله علیه وسلم بر ما سخنی را از خود بسازد از او انتقام می گیریم و از جانب راستش مؤاخذه می کنیم. بلی! این وعیدی شدید و ترساندن از عذاب دشواری است؛ هر چند چنین کاری بسیار دور است.

#### ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

«سپس شاهرگش را قطع می کردیم» (۴۶)

«الْوَتِينَ» «(شاه) رگ قلب».

«وتین» اسم رگی است که از پشت سر امتداد یافته و به قلب انسان می پیوندد و اگر احیاناً این رگ قطع شود، شخص به صورت حتمی می میرد. البته این تصویری از نابود کردن به سخت ترین شکل آن است، چنان که پادشاهان بر کسانی که قهر می کنند، همین شیوه را اعمال می کنند. پس همین که پیامبر صلی الله علیه وسلم در کمال عافیت به سر می برد، این خود دلیل صداقت وی است.

#### فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

و هیچ کدام از شما نمی توانست از این کار جلوگیری کند. (۴۷)

«حَاجِزِينَ» «بازدارندگان، مانع شوندهگان».

یعنی این که هیچ کسی نمی تواند عذاب ما را از او مانع شود و او را از ما باز دارد؛ زیرا میان بنده و خداوند کسی از مخلوقاتش درآمده نمی تواند.

#### وَإِنَّهُ لَتَنْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

و بی شك آن پندنامه ای برای پرهیزگاران است. (۴۸)

قرآن عظیم الشان پند و موعظه بزرگی است. برای کسانی که اهل تقوی است، زیرا این متقیان اند که از آن بهره می گیرند.

## وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما بخوبی می دانیم که برخی از شما آن را تکذیب می کنید. (۴۹)

باید گفت که تکذیب قرآن عظیم الشان به هر شکلی از اشکالی که باشد خواه زبانی باشد و یا هم تکذیب عملی در واقعیت انکار از بزرگترین حقیقت و ظلم آشکارا است. پروردگار با عظمت ما در (آیت ۶۸ سوره عنکبوت) با تمام صراحت می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ» و کیست ستمگارت از کسی که بر الله دروغ بزند (چیزی را که خدا نفرموده به او نسبت دهد یا چیزی را که خداوند فرموده، تکذیب و از خدا قطع انتساب نماید) یا حق را زمانی که به سویش آمد تکذیب کند؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟

نکته قابل توجه در آیت مبارکه اینست که تکذیب در اصول قرآن، صرف انکار زبانی نبوده که با زبان در مخالفت با قرآن اعلام موضع مخالف نماید، بلکه به بی باوری و بی توجهی به آن موضوع نیز اطلاق می گردد. به طور مثال در سوره ماعون عدم توجه با یتیمان نشانه تکذیب و بی باوری عملی به روز جزا در اشخاصی است که حتی نماز هم می خوانند. یقیناً ما می دانیم که کسانی از شما بعد از روشنی بیان قرآن کریم، ظهور برهان و بزرگی سلطه اش بدان تکذیب می کنند.

واقعاً بدترین ظلم، ظلم فرهنگی است که به تسلیم شدن انسان در برابر حقّ ضربه وارد می کند. بناءً بر مسلمان واقعی است که وحی آسمانی را بدون کم و زیاد بپذیرد، و اضافه کردن هر چیزی به دین، افترا و از جمله بدترین ظلم بشمار می رود که از پروردگار با عظمت تمنا داریم که: الهی ما را از آن نگاه داری. آمین یا رب العالمین

## وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و بی گمان آن حسرتی بر کافران باشد. (۵۰)

بدون شک تکذیب به قرآن کریم ندامتی برای کافران و عبادت گران بت هاست، آنگاه که خود در آتش دوزخ داخل شوند و مؤمنان را در بهشت جاودان ببینند.

## وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

و این قرآن حق و حقیقت خالص است. (۵۱)

در این هیچ جای شکی نیست که قرآن عظیم الشان حق الیقین و ثابت است، یقینی است که در آن شکی و شبهه ای وجود ندارد، به حقایق فرود آمده و با راستی بر محمد صلی الله علیه و سلم وحی فرستاده شده است.

## فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

پس به نام پروردگار با عظمت خویش تسبیح گوی. (۵۲)

حال که چنین است پس الله را از هر عیب و نقصی که سزاوار وی نیست منزّه دان، آنچه دشمنانش به او نسبت می دهند، یا به کتاب و پیامبرش تکذیب می کنند از عظمتش نمی کاهد؛ زیرا اوتعالی در ذات، نامها، صفات و افعالش بزرگ است. بنابراین تسبیح، نفی نقایص است و تعظیم، اثبات کمال.

درسنگن «أبو داود» از حضرت عقبه بن عامر جهنی روایت است، زمانی که این آیت:

«فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود این را در رکوع بخوانید، و چون آیه «فَسَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی) نازل شد، فرمود این را در سجده خود تان بخوانید، بنابر این به اجماع امت این دو تسبیح در رکوع و سجده خوانده می شوند، و نزد جمهور خواندن این تسبیح و تکرار آن سنت است، حتی برخی از علماء خواندن آن را واجب دانسته اند.

## ومن الله التوفيق

### فهرست مطالب سورة الحاقه

شماره	فهرست مطالب	نام سورة
	<b>وجه تسميه</b>	<b>الحاقه</b>
	محتواى سوره	
	ترجمه و تفسير مؤجز	
	قيامت	
	قيامت صغرى و قيامت كبرى	
	عذاب الهى بر اقوام منحرف و ياغى	
	كلام پيامبر كلام وحى است	
	اطاعت از سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم شرط ايمان است	
	انكار از سنت موجب غضب الهى است	
	فضيلت دست راست بر چپ در آيات قرآنى	
	احاديث نبوى و فضيلت دست راست بر چپ	
	فرشتگان راست و چپ و فرشتگان نگهبان	
	دريافت اعمال نامه بدست راست	

### منابع و مأخذ هاى عمده:

- تفسير و بيان كلمات قرآن كريم (تأليف شيخ حسنين محمد مخلوف واسباب نزول علامه جلال الدين سيوطى ترجمه از عبد الكريم ارشد فاريابى)
- تفسير انوار القرآن: تأليف عبدالرؤوف مخلص هروى
- فيض البارى شرح صحيح البخارى داکتر عبد الرحيم فيروز هروى
- تفسير معالم التنزيل/ بغوى (متوفى سال ۵۱۶ هـ)
- تفسير زاد المسير فى علم التفسير/ ابن الجوزى (متوفى سال ۵۹۷ هـ)
- تفسير البحر المحیط/ ابو حيان الأندلسى (متوفى سال ۷۵۴ هـ)
- تفسير تفسير القرآن الكريم/ ابن كثير (متوفى سال ۷۷۴ هـ)
- تفسير انوار التنزيل و اسرار التأويل/ بيضاوى (متوفى سال ۷۹۱ هـ)
- تفسير تفسير الجالين/ جلال الدين محلى و جلال الدين سيوطى (وفات جلال الدين محلى سال ۸۶۴ و وفات جلال الدين سيوطى سال ۹۱۱ هـ)

- تفسير جامع البيان فى تفسير القرآن/ طبرى (متوفى سال ٣١٠ هـ)
- تفسير الميزان
- تفسير پرتوى از قرآن
- تفسير صفوة التفاسير/ صابونى (مولود ١٩٣٠ م)
- تفسير إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم/ ابو السعود (متوفى سال ٩٥١ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانى
- تفسير معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتى محمد شفيع عثمانى ديوبندى مترجم مولانا محمد يوسف حسين پور
- تفسير فى ظلال القرآن، سيد قطب (متوفى سال ١٣٨٧ هـ)
- تفسير الجامع لاحكام القرآن/ قرطبى (متوفى سال ٦٧١ هـ)
- تفسير نور تأليف دكتور مصطفى خرم دل
- تفسير الميسر دكتور عايض بن عبدالله القرني
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى